

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D15SH1M93 ISSN-P: 2538-3701

خشونت خانگی علیه زنان در ایران

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

میلاذ جهانی جناقرد

دانشجوی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه تهران

چکیده

خشونت علیه زنان در طول تاریخ جوامع بشری به اشکال و انواع گوناگون وجود داشته که در برخی جوامع این آسیب اجتماعی تشدید شده است. پدیده دردناک خشونت علیه زنان در ابعاد مختلف آن سلامت جسم و روان زنان را به خطر می‌اندازد و حقوق انسانی آنان را مورد تجاوز قرار می‌دهد. خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود و به علت صرفاً زن بودن مورد اعمال زور و تزییع حق از سوی جنس مخالف قرار می‌گیرد. بطور کلی هر نوع عمل یا رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی و روانی یا محرومیت و عذاب زن منجر شود خشونت علیه زنان گفته می‌شود. تهدید به چنین اعمال و رفتاری، محرومیت از آزادی به اجبار یا به اختیار، اعم از زندگی شخصی و یا جمعی نیز جزء خشونت علیه زنان می‌باشد. بسیاری از روان‌شناسان در بررسی این پدیده، نوع تقسیم و توجه به نقش‌های جنسیتی و همچنین جامعه‌پذیری را ذکر کرده‌اند. این رخداد ناگوار به حدی رشد یافته که این موضوع نقض آشکار حقوق انسانی در سراسر جهان تلقی می‌شود. در این پژوهش سعی شده است که بعد از آشنایی با مفهوم خشونت و اشکال آن، راهکارهای مناسبی را جهت کاهش این پدیده شوم در بین خانواده‌های ایرانی ارائه دهد. از راه‌های پیشنهادی برای حل این معضل اجتماعی می‌توان به ارائه خدمات به قربانیان خشونت، ایجاد همکاری میان افسران پلیس و گروه‌های زنان محله، ایجاد گروه‌های پلیس زنان و اشاره کرد.

واژگان کلیدی: خشونت، زنان، جرائم، آسیب جسمی و روانی

مقدمه

امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های علمی هنوز معضل خشونت، وجدان‌ها را می‌آزارد و به‌عنوان یک مسئله حاد اجتماعی خشونت مدرن با مصادیق جدیدی مطرح گردیده است. حدود نیمی از جمعیت کره زمین را زنان تشکیک می‌دهند که در طول تاریخ مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. خشونت علیه زنان از قدیم تا به حال نه تنها کمتر نشده است، بلکه با بررسی‌های به عمل آمده آمارهایی به دست رسیده که حاکی از نقض حقوق بشر در مورد زنان است. خشونت ممکن است جنبه روانی، جسمی و مالی و جنسی داشته باشد که در اسلام به عوامل فرهنگی زمینه‌ساز خشونت علیه زنان بیشتر توجه شده و با آن به مقابله برخاسته است. خشونت علیه زنان، پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود و صرفاً به علت زن بودن مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس مخالف قرار می‌گیرد. چنانچه خشونت در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود و به هر نوع عمل و یا احتمال رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی، روانی یا محرومیت و عذاب منجر شود، خشونت علیه زنان گفته می‌شود. این تعریف، تهدید به چنین اعمال و رفتاری، محرومیت از آزادی به اجبار یا به اختیار، اعم از اینکه در زندگی شخصی یا جمعی رخ دهد، را نیز دربر می‌گیرد.

بند اول: مفهوم‌شناسی

الف) تعریف خشونت

خشونت از نظر لغوی غضب، درستی و تندی کردن، ضد لینت و نرمی تعریف شده است. برخی خشونت را عملی خلاف هنجارها و طبع می‌دانند. برخی دیگر خشونت را رفتاری فردی و جمعی می‌شمارند که تحت شرایط خاص بروز می‌کند و از نظر برخی دیگر، خشونت هر نوع رفتار خشنی است که از روی قصد و به منظور آسیب بر فرد دیگر انجام می‌شود. در هر حال خشونت را می‌توان عملی آسیب‌رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفاً جنبه فیزیکی (بدنی) ندارد بلکه ممکن است ابعاد روانی (مانند فحاشی) تحقیر،



منزوی کردن فرد، داد و فریاد، مزاحمت جنسی، تجاوز) و اقتصادی (مانند شکستن وسایل خانه) را به خود بگیرد.

(ب) تعریف خشونت خانوادگی

بر طبق تعریف «لانکاشایر کنسابلاری» خشونت خانوادگی عبارت است از «هر نوع ارتکاب به رفتار تهدیدآمیز، خشونت یا بدرفتاری روانی، جسمی، مالی یا عاطفی میان بزرگسالانی که اکنون زوج یکدیگر یا جزء اعضاء خانواده‌اند یا در گذشته چنین بوده‌اند. صرف نظر از جنسیت‌شان خشونت خانوادگی به شمار می‌آید.»

(پ) تعریف خشونت علیه زنان

نخستین یند حقوق بین‌المللی که بطور ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف قرار داد اعلامیه رفع خشونت علیه زنان بود که در سپتامبر ۱۹۹۳ طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مورد تصویب سازمان ملل قرار گرفت و در ماده یک به تعریف خشونت علیه زنان پرداخته است: «... عبارت خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب احتمال بروز آسیب‌های روانی، جسمانی، رنج و آزار زنان، از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت‌های اجباری یا اختیاری در شرایط خاص، از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می‌گردد.»

بند دوم: اشکال خشونت علیه زنان

(الف) خشونت جسمی

هر نوع رفتار خشنی است که از روی قصد و نیت منجر به آسیب و صدمات جسمانی می‌شود و مصداق آن عبارتند از: ضرب و شتم، مشت زدن، سیلی زدن، خفه کردن، مثله کردن، قتل و ..

(ب) خشونت جنسی

به هر نوع رفتار غیراجتماعی گفته می‌شود که از لمس کردن بدن زن شروع شده و گاهی تا مرحله تجاوز جنسی زن شدت می‌یابد. زنانی که مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرند، دچار



صدمات روانی، عصبی و عاطفی می‌شوند که بر کل رفتارهای آنان نسبت به جنس مذکر تأثیر می‌گذارد.

(پ) خشونت روانی

این نوع از رفتار خشونت‌آمیز به صورت انتقاد ناروا، تمسخر، تحقیر، توهین، فحاشی، تهدیدهای مداوم به طلاق یا ازدواج مجدد اعمال می‌گردد. هنگامی که در روابط زن و مرد خشونت روانی حاکم باشد نظارت بر هزینه‌ها، انتخاب افراد برای معاشرت و رفت و آمد خانوادگی، حتی تعیین تکلیف برای همسر و مورد تمسخر قرار دادن عقاید او به ویژه در میان جمع از جانب مرد صورت می‌گیرد. در خشونت بدنی سلاح مورد استفاده مشت است و در خشونت روانی کلمات، سلاح محسوب می‌شود.

(ت) خشونت اقتصادی (مالی)

این نوع خشونت رفتاری است که از روی قصد و نیت که زن را در امور مربوط به اشتغال، اقتصاد و دارایی تحت فشار و آزار و تبعیض قرار دهد. مصادیق آن عبارتند از: عدم پرداخت نفقه، خساست، دریافت اجباری حقوق زن، عدم تأمین نیازهای ضروری همسر و فرزندان و ...

بند سوم: علل و عوامل خشونت علیه زنان

علل خشونت را می‌توان در سه دسته فردی، تعامل بین فردی و اجتماعی محدود کرد. علل فردی در جنبه‌های زیستی و روان‌شناختی، علل تعامل میان فردی در جنبه‌هایی مانند جنسیت، اقتدارگرایی در خانواده، یادگیری اجتماعی و مشکلات ارتباطی و علل اجتماعی در جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی مورد بحث است.

(الف) علل فردی

۱- جنبه‌های زیستی: اولین تبیین به مسائل زیستی انسان و تفاوت زن و مرد از این بُعد مربوط می‌شود. برخی فمینیست‌های رادیکال ادعا کرده‌اند که نیروی بدنی مردان سبب بروز خشونت نسبت به زنان می‌شود. عامل دیگر، هورمون مردانه، یعنی تستوسترون است که روان‌شناسان آن را عامل موثری در رفتار پرخاشگرانه مردان دانسته‌اند.

۲- عوامل روانشناختی: رویکرد روانشناختی، منبع خشونت خانوادگی را در شخصیت یا اختلالات روانی جستجو می‌کند.

۳- ناکامی: در شرایطی رخ می‌دهد که موانع، فرد را از نیل به هدف باز می‌دارد و او را در انجام رفتاری ناتوان می‌کند. در پدیده خشونت خانگی ناکامی‌های مرد بیشتر ریشه در عوامل اقتصادی، تأمین نشدن نیازهای عاطفی مرد در خانواده و ناکامی جنسی در اثر بی‌اعتنایی زن دارد.

۴- ضعف اخلاقی: عدم پابندی مرد به اخلاق مهم‌ترین عامل بروز خشونت خانوادگی از دیدگاه اسلام است.

۵- الکل و مصرف مواد مخدر: مطالعات نشان داده است که میزان ۱/۴۰ درصد مصرف الکل و ۱/۴۲ درصد اعتیاد به مواد مخدر خشونت علیه زنان است.

۶- متغیر سن: تفاوت سنی زن و شوهر از عوامل فردی موثر در بروز خشونت خانگی است. پژوهش‌های متعددی نشانگر آن است که افزایش سن رابطه منفی با درجات خشونت زناشویی دارد. گافمن در بررسی ۲۰۰۰ زوج به این نتیجه رسید که سن بطور معناداری جزء عوامل موثر بر خشونت شوهر است و هر چه سن افزایش یابد، احتمال بروز خشونت کاهش می‌یابد.

۷- هوش و تحصیلات: خانواده‌های تحصیل کرده با آگاهی یافتن بر راه‌های کنار آمدن با تعارض‌ها در روابط نزدیک، خشونت در خانواده را کمتر کرده و از شیوه‌های معنوی برای حل مسئله کمک می‌گیرند.

(ب) علل ارتباطی بین فردی در ایجاد خشونت

۱- جنسیت: فمینیست‌ها، ریشه‌های خشونت نسبت به زنان را در روحیات جنس مرد و نقش‌های مردانه جستجو می‌کنند.

۲- یادگیری: پژوهشگران بسیاری، نقش آموزش الگوهای خانواده از خانواده را تأکید کرده‌اند و کودکان نقش‌های همسری و والدین را با مشاهده می‌آموزند. از جمله می‌فهمند که



بد رفتاری و خشونت امر بهنجار است. همچنین مردانی که در کودکی مورد خشونت و سرزنش والدین قرار گرفته‌اند، احتمال بیشتری دارد که با همسران خود بدرفتاری کنند.

۳- مشکلات ارتباطی: از دیگر علل ارتباطی بین فردی در ایجاد خشونت می‌توان به عدم مدیریت خشم، سابقه بزهکاری، تعارض، مشکلات ارتباطی، خصومت جنسی، حسادت، آشفتگی ارتباطی، سابقه آزاری جنسی و کنترل خود و اجتماعی شدن اشاره کرد.

(پ) علل اجتماعی - اقتصادی

۱- زمینه‌های اقتصادی: یکی از عوامل موثر بر خشونت خانگی مردان، اموری مانند نوع شغل، بیکاری، وضعیت اقتصادی خانواده و شغل زن است. بیکاری و مشکلات اقتصادی همراه آن عامل مهمی در بروز تنش‌های خانوادگی و خشونت‌های ناشی از آن است. معمولاً افراد بی‌کار با احتمال بیشتری اقدام به خشونت علیه زنان می‌کنند.

۲- عوامل فرهنگی: تقدس خانواده و نگهداری اطلاعات مربوط به آن در چهار دیواری خانه، خصوصی بودن فضای خانواده را در عرصه عمومی و خصوصی بیان می‌کند که اساس نظریه پنهان‌کاری را تشکیل می‌دهد که از علت‌های استقرار خشونت علیه زنان می‌باشد.

۳- عوامل حقوقی: یکی از مهم‌ترین عوامل خشونت، پذیرش قانون خشونت خانگی و خصوصی دانستن نزاع‌های خانوادگی است. ابهام در تعریف خشونت خانگی، وجود قوانین تبعیض‌آمیزی که به مرد اجازه می‌دهد در روابط خود با هم از هر شیوه نامطلوبی کند، از مهم‌ترین عوامل حقوقی در تشدید خشونت محسوب می‌شود.

بند چهارم: خشونت علیه زنان از دیدگاه جامعه‌شناسی

در مباحث جامعه‌شناسی و به خصوص مباحث فمینیستی به بحث خشونت علیه زنان بسیار توجه شده و به دنبال علت‌یابی این مساله نظریاتی ارائه شده است تا بتواند بنیاد این پدیده اجتماعی را ریشه‌یابی کند. در این بحث به طرح چند نظریه در این خصوص پرداخته می‌شود تا موضوع بحث روشن‌تر شود. در تعریف واژه خشونت از سوی لویی و اشتراش آمده است: «خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار که برای وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است»

«البته در تعریفی دیگر از لویی خشونت «رفتاری آگاهانه در نظر گرفته می‌شود که نتایج احتمالی آن ایجاد آسیب فیزیکی یا درد در فرد دیگر است.»

(الف) نظریه یادگیری اجتماعی: صاحب‌نظران این دیدگاه معتقد هستند که دلیل اصلی خشونت، وجود ساختارهای اقتداری پدرسالارانه در جامعه است. این ساختار اقتداری، در سلسله مراتب سازمانی نهادهای اجتماعی و روابط اجتماعی مشهود است. به علاوه، در جهان‌بینی (ایدئولوژی)‌هایی در جامعه تبلیغ می‌شود که بر مشروعیت این نابرابری (سلسله مراتب) تاکید دارد. نهاد خانواده در حکم نهاد مرکزی پدرسالاری، براساس نابرابریهای اجتماعی و استثمار زنان و کودکان بنا نهاده شده است. و ایدئولوژی‌های جامعه، می‌کوشند آن را حفظ کنند.

(ب) نظریه نظارت اجتماعی: «نظریه نظارت اجتماعی بر وجود جرم و رفتار خشونت‌آمیز در انسان تاکید می‌ورزد، چه دارای انگیزه‌های درونی باشد و چه از طریق عوامل محیطی، به وجود آید، در این نظریه این اصل مدنظر است که افراد برای رسیدن به هدفی یا دستیابی، در برابر دیگران، به استفاده از زور و قدرت تمایل دارند. اصل دوم این است که نظارت اجتماعی به مثابه منابعی در سر راه اقتدار و خشونت قرار می‌گیرد. زیرا از آنجا که انسان، بدون وجود محدودیت‌های اجتماعی، به جرم و جنایت و رفتار ناهنجار تمایل دارد، جامعه باید ساز و کار (مکانیسم) نظارت را به وجود آورد. برخی از محققان نظریه اجتماعی، مانند هیرشی، سوال مورد بررسی را بدین صورت مطرح می‌کنند که چرا بعضی از افراد رفتار ناهنجار ندارند؟ به باور این محققان تنها مشخص کردن افراد مجرم مهم نیست، بلکه باید به دنبال عواملی بود که سبب می‌شود عده دیگری رفتار هم‌نوا یا اجتماعی داشته باشند و از رفتار ناهنجار دوری کنند.»

(پ) نظریه مبادله: «هرمنز یکی از نظریه‌پردازان این نظریه است که بیشتر به مبادله میان دو نفر توجه دارد و بر این باور است که مبادله اجتماعی بر منفعت شخصی و ترکیبی از نیازهای اقتصادی و روانی استوار است و سعی کرده است که قضایای خود را بر مبنای روانی استوار



سازد.» به تعبیر گلز خشونت از منظر این دیدگاه در یک رابطه‌ی خشونت‌آمیز میان زن و شوهر رخ می‌دهد، نسبت به سود و زیان به شکلی که شوهری زن خود را می‌زند و از دید او این رفتار به حق است چون زن مطابق میل او رفتار نکرده است.

بند پنجم: عوامل ساختاری و ایجاد و حفظ خشونت در ایران

خشونت علیه زنان در جامعه ایرانی مانند سایر جوامع دیده می‌شود اما علل و عواملی وجود دارد که در جامعه پدرسالار ایرانی این خشونت تشدید می‌شود. به همین منظور ما در این بخش عوامل ساختاری که موجب خشونت علیه زنان می‌باشند را دسته‌بندی می‌نماییم.

(الف) قدرت مردان در قانون:

زنان از لحاظ قانونی در شرایط نابرابر با مردان قرار دارند و بازتاب شرایط نابرابر در خانواده بصورت اجباری برای زندگی با مرد خشن تجلی می‌کند. از موارد خاص می‌توان به از دست دادن حق سرپرستی و حضانت بر فرزندان اشاره کرد و یا مراحل دشواری که یک زن از لحاظ قانونی برای طلاق باید طی کند. هر چند اضافه کردن شروط ضمن عقد تا حدودی برخی حقوق را به زنان می‌دهد اما در هر صورت در زمانی که زن متقاضی طلاق است باید مورد عسر و حرج را ثابت می‌کند. در خانواده که ریاست آن با مرد است مجازاتی برای خشونت‌های خانوادگی در نظر گرفته نمی‌شود.

(ب) قدرت مردان در بُعد اقتصادی

هر چند که از لحاظ قانونی موارد منع زنان برای کار وجود ندارد اما در باب کار آنان در سطوح دو مسئله مختلف وجود دارد. اولین مورد درصد ناچیز زنان شاغل و درصد بسیار بالای زنان در جست و جوی کار است که به منفعت کاری این جنس اشاره دارد. آمار مربوط به بیکاری زنان نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات درصد بیکاری بیشتر می‌شود. این امر نشانگر مقاومت جامعه در برابر استخدام زنان است و از طرف دیگر نشانگر این امر است که زنان در مشاغل سطح پایینی جامعه با درآمدهای پایین و بدون تأمین شغلی مشغول به کار هستند. سپس می‌توان از درآمد کمتر زنان در مقایسه با مردان، تمرکز زنان در بخش دولتی و

نبود امکانات به منظور ارتقاء به موقعیت‌های تصمیم‌گیرنده که با درآمد بیشتر همراه است، اشاره کرد. نبود مشاغل میانی برای زنان چه لحاظ آموزش‌های ضروری برای احراز مشاغل در حد مهارت‌های شغلی و چه از لحاظ فرهنگ اجتماعی و چه از لحاظ دخالت نیروهای نظم‌دهنده به جامعه معضل دیگری است که به دوری زنان از محیط کار می‌انجامد. در نتیجه، بخش اقتصاد، از آن‌جا که به هر دلیل زنان را از خود بیرون رانده یا حضور آنان را محدود کرده است، همچنین با توجه به درآمدهای ناچیزی که آنان را وابسته به درآمدهای مردان می‌سازد، زنان را به ازدواج و وابستگی به یک مرد سوق می‌دهد. حتی زنان شاغل نیز امکان زندگی جدا از مردان را با درآمدهای خود ندارند. به خصوص اگر برداشتن و سرپرستی فرزندان تاکید داشته باشند، امکان ارائه زندگی در سطح زندگی خانوادگی را نخواهند داشت.

(پ) قدرت مردان در سازمان‌های نظارتی

در ایران سازمان‌های نظارتی اعم از رسمی یا غیررسمی، همچنین سازمانی و فردی، همگی در نظارت بر زنان با استفاده از اعمال قدرت و به کارگیری خشونت در سطح مختلف، اهتمام می‌ورند. این خشونت رد سطوح رفتاری که مخالف تفکر آنان باشد به سختی مقابله می‌کند. خشونت مردان را در ایران از یک طرف می‌توان بصورت سازمان یافته در نهادهای نظارتی جامعه مشاهده کرد، و از طرف دیگر در سطح انفرادی که شخاً به پاک‌سازی جامعه از زنان دارای رفتار نامناسب اقدام می‌کنند.

بند ششم: حمایت‌های کیفی از زنان در برابر خشونت

حمایت‌های کیفی از زنان در برابر خشونت به دو دسته حمایت‌های کیفی ماهوی و حمایت‌های کیفی شکلی تقسیم‌بندی می‌شود که به بررسی اجمالی آن‌ها می‌پردازیم.

(الف) حمایت کیفی ماهوی از زنان قربانی خشونت جسمانی

(۱) سقط جنین ناشی از ضرب و اذیت و آزار زنان

اذیت در لغت به معنای دست‌درازی کردن، جور، ستم و آسیب و آزار و رنج و اندوه و درد به کار رفته است. با توجه به این معانی صدمات روانی نیز در قلمرو اذیت و آزار قرار می‌گیرند



و بدون اینکه عرفاً ضرب و جرح آیند. آزار هم جنبه‌ی جسمی و روانی دارد و چون در ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی بطور مطلق آمده نظر مقنن بر هر دو تعلق دارد. قانونگذار در ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) آورده است که: «هرکس عالماً و عامداً به واسطه‌ی ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداختن دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.»

(۲) سقط جنین ناشی از تخلفات رانندگی

ماده ۷۱۵ و ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) از دیگر مواردی است که توسط مقنن و با هدف حمایت کیفری از زنان در برابر سقط جنین وضع گردیده است و طبق مواد فوق صدمات وارده و قتل ناشی از بی احتیاطی در رانندگی در حکم قتل شبه عمدی خواهد بود.

(ب) حمایت‌های کیفری شکلی از زنان قربانی خشونت

اگرچه در یک سیاست جنایی سنجیده اقدامات پیشگیرانه جهت جلوگیری از ارتکاب جرم به مرحله اجرا در می‌آید و قانونگذار نیز بایستی به گونه‌ای عمل نماید که با وضع قوانین حمایتی و بازدارنده از زنان حمایت نماید، اما به یقین قوانین خوب نیازمند مجریان خوب می‌باشد و صرف اصلاح قوانین نمی‌تواند موجب حمایت از زنان در برابر خشونت گردد، لذا باید علاوه بر پیش‌بینی کیفر تدابیر حمایتی کیفری از زنان بزه دیده به گونه‌ای تدارک دیده شود که با یک دادرسی سریع و ساده بزه‌دیده مدار احقاق حقوق صورت گیرد. که از آن جهت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

(۱) تدابیر حمایتی در مرحله تحقیقات پلیسی

(۲) تشکیل پلیس زن و تعقیب فوری

(۳) تأمین امنیت زنان بزه‌دیده

(۴) حمایت از زنان در مرحله بررسی پزشکی قانونی

(۵) شناسایی انواع بزه‌دیدگی زنان

(۶) تخصیص شعب دادگاه به خشونت‌های جنسی

(۷) استفاده از تیم‌های پزشکی قانونی

(۸) الزام حضور مشاوران قضایی و مددکاران اجتماعی

بند هفتم: راه کارهای عملی مناسب برای مبارزه با خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان مشکل پیچیده‌ای است که بدون همکاری و هماهنگی مؤسسات درمانی،

قضایی، پلیس، خدمات بهزیستی و سایر نهادهای مردمی و دولتی نمی‌توان با آن مقابله کرد:

(الف) ارائه خدمات به قربانیان خشونت

(۱) رشد تشکل‌های زنان

(۲) ایجاد همکاری میان افسران پلیس و گروه‌های زنان محله

(۳) ایجاد گروه‌های پلیس زن

(۴) تاسیس خانه‌های امن

(۵) تقویت نهاد مددکاری اجتماعی و مشاور قضایی در کنار دادگاه خانواده

(۶) برگزاری میزگرد و کارگاه‌های آموزشی

(۷) ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان

(۸) حمایت از تحصیلات دختران در مدارس حرفه‌ای

(۹) تحت تأثیر قرار دادن وجدان پزشکی

(۱۰) ایجاد شبکه کمک‌رسانی

(ب) تغییر مردان:

(۱) تشویق زنان به گفتگو در خصوص مسئله خشونت

(۲) تشویق مردان به همکاری در امر کاهش میزان خشونت

(۳) برنامه‌های درمانی برای مردان خشن

(۴) ارائه برنامه‌های عمومی و آموزش برای تعلیم همه‌ی افراد جامعه

(پ) تغییر در شیوه‌های قانونی از قبیل (تعلیم افسران اجرایی، تعلیم و کلا و ...)

نتیجه گیری

خشونت علیه زنان امری پنهان است؛ زیرا بسیاری از زنان در جوامع مختلف به دلایلی همچون مجازات سخت و عدم حمایت‌های قانونی از ابراز آن خودداری می‌کنند. خشونت علیه زنان مرز نمی‌شناسد، محدود به جوامع عقب مانده نیست. دهمه جای دنیا زنان کم و بیش مورد انواع خشونت‌های جسمی، جنسی و کلامی واقع می‌شوند. متأسفانه در مورد ایران هرگز آمار درست و مشخص در مورد خشونتی که در خانه بر زنان اعمال می‌شود، منتشر نشده، از طرفی باورهای مردسالار به نوعی این خشونت را طبیعت مرد می‌داند و سعی می‌کند آن را توجیه کند و به زنان می‌قبولاند که زنان با لباس سفید به خانه بخت می‌رود و هر چه که بر سرش آید با کفن سفید از آن بیرون بیاید. خشونت علیه زنان جا و مکان خاصی ندارد. در خانه یا خیابان یا محل کار زنان با انواع خشونت روبرو هستند. در خانه از سوی پدر، همسر و برادر خود مورد کتک و فحاشی قرار می‌گیرند. در بسیاری از کشورها مراکزی به نام خانه‌های امن وجود دارد که زن خشونت دیده تا زمانی که خطر تهدیدش می‌کند به آنها پناهنده می‌شود، ولی در ایران هنوز چنین خانه‌های امن وجود ندارد که بتوان به آن پناهنده شد. تأثیری که خشونت بر روی زن می‌گذارد، بیش از آنکه جسم را بخرشد روح را جریحه‌دار می‌کند و به او احساس موجودی بی‌اراده و مفعول و منفعل می‌دهد. متأسفانه در ایران مرکزی برای ترمیم جراحات‌ها این زنان وجود ندارد.



منابع و مآخذ

- (۱) اعظم‌زاده- منصوره (۱۳۸۵) نقش‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی- فصل‌نامه پژوهش زنان دوره ۴- شماره ۱ و ۲
- (۲) محبی، سید فاطمه (۱۳۸۰) آسیب‌شناسی اجتماعی زنان (خشونت علیه زنان) - فصل‌نامه کتاب زنان، سال پنجم- شماره ۱۴
- (۳) کار، مهرانگیر (۱۳۷۹) پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالبات زنان
- (۴) توکلی، نیره (۱۳۸۲) هویت جنسی همسران و خشونت بر ضد زنان در خانواده- پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی- تهران.
- (۵) رئیسی سرشنیزی، امرالله (۱۳۸۱)- خشونت علیه زنان و عوامل موثر بر آن- فصل‌نامه پژوهش زنان- شماره ۳
- (۶) فورواد، سوزان (۱۳۷۷) مردان زن ستیز، شیما نعمت‌الهی- تهران: انتشارات خجسته
- (۷) رئیس‌الساداتی، ریحانه‌سادات (۱۳۹۲)- خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآن- علوم اجتماعی، مطالبات زن و خانواده- شماره ۱
- (۸) ساعتچی، محمود (۱۳۷۷)- نظریه‌پردازان و نظریه‌ها در روان‌شناسی- تهران، سخن
- (۹) عزیزیان، رویا و ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)- بررسی عوامل خشونت علیه زنان در مراجعه‌کنندگان به پزشکی قانونی تهران- مجله‌ی دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی- جلد ۲- شماره ۳
- (۱۰) اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)- خشونت خانوادگی- تهران، سامی
- (۱۱) اشراقی، محمود (۱۳۸۵)- نگاهی جامعه‌شناختی به پدیده خشونت علیه زنان- شماره ۲
- (۱۲) امیریان فاسانی، امیر و آزادیان، سیمین (۱۳۹۶) - حمایت‌های کیفی از زنان در برابر خشونت- پژوهش‌نامه حقوق بشری - شماره ۱۰

